

**قتلگاه عقل‌ها کجاست؟**

آیت الله مجتبی‌تهرانی عنوان کرد: بیشترین جاهایی که عقل‌ها به خاک افتاده و زمین می‌خورند، در جایی است که طمع‌ها درخشش یافته و مورد توجه قرار می‌گیرند.

آیت الله مجتبی‌تهرانی عنوان کرد: بیشترین جاهایی که عقل‌ها به خاک افتاده و زمین می‌خورند، در جایی است که طمع‌ها درخشش یافته و مورد توجه قرار می‌گیرند.

آیت الله مجتبی‌تهرانی در جلسه دوازدهم درس قیام امام حسین (ع) به نکات زیر اشاره کرده است:

\* امام حسین (ع) می‌خواست این معنا را به ابناء بشر برساند که انسان باید بر طبق عقل عمل کند و عقل هم چیزی نیست که تزریقی باشد و انسان بتواند آن را به دیگری تحمیل کند؛ بلکه هر انسانی این‌طور است که این موهبت خداوندی را دارد. این‌که می‌گوییم: «هر انسانی دارد» استثنا و کم و زیاد ندارد؛ همه انسان‌ها این‌طور هستند و در این مسئله با یکدیگر تفاوت نمی‌کنند.

\* حرف در این است که این موهبت عقل، به صورت قوه و استعداد است که باید به فعلیت برسد تا کارایی داشته باشد. از طرفی هم نیروهای حیوانی بالفعلی در وجود انسان هست که مانع عقل او است و از وقتی که او به دنیا می‌آید درون او وجود داشته و مدام در حال رشد کردن است. استعدادها و انسان‌ها هم در وجود او هست که باید به مرور زمان رشد کند. مثلاً قوه شهوت جنسی یکی از این قوایی است که به صورت استعداد درون انسان هست و رشد می‌کند.

\* حال آن‌چیزی که موجب می‌شود انسان در تمیز حق از باطل اشتباه کند دخالت این قوای حیوانی در ادراک عقل است. یعنی هر جا نیروی شهوت، غضب و وهم در درون انسان حاکم شوند، عقل کنار می‌رود و آن وقت است که اشتباه می‌کند. آن چیزی که موجب این اتفاق می‌شود به طور اجمال گناهان و پیروی از هواهای نفسانی است. امام حسین (ع) هم به این نکته اشاره می‌کنند که موانعی بر سر راه فهم و عقلانیت دشمنانشان قرار گرفته است.

\* علی (ع) می‌فرمایند: بهره‌گیری از حکمت، بر هر قلب گرفتار شهوتی حرام است. هر دلی که به سبب قوه حیوانی شهوت بیمار شده است، حقیقت حکمت را که علم به حقایق اشیاء است، نخواهد یافت. تمام شد! دیگر فایده ندارد، نمی‌توانی با این دل از عقل و حکمت استفاده کنی.

\* بیشترین جاهایی که عقل‌ها به خاک افتاده و زمین می‌خورند، در جایی است که طمع‌ها درخشش یافته و مورد توجه قرار می‌گیرند. «171#& طمع» هم از شاخه‌های شهوت است. در نهج‌البلغه آمده است: چه بسا عقلی که گرفتار هوای نفس می‌شود. یعنی هوای نفس فرمانده انسان می‌شود؛ نه عقل.

\* حضرت علی (ع) در جایی فرمودند: اگر کسی بر شهوتش غلبه پیدا کند، تازه عقلش ظاهر می‌شود و به اصطلاح سر عقل می‌آید. آن وقت ما اگر سراغ آیات برویم می‌بینیم که به چنین انسانی که سر عقل آمده و نفسش را مغلوب کرده، وعده بهشت داده شده است.

\* اگر انسان می‌خواهد حیات طیبه پیدا کند، راه منحصر در این است که انسان از نظر عملی مطیع شرع شود. حیات طیبه و پاکیزه و زندگی انسانی، نه زندگی حیوانی، با متابعت از ظاهر شریعت حاصل می‌شود. که همین دستورات شرع موجب می‌شود که شهوت، غضب و وهم مهار شود. وقتی این حیوان مهار شد، نتیجه‌اش این می‌شود که انسان سر عقل آمده و واقعاً «171#& انسان» می‌شود. انسان که شد، زندگی‌اش می‌شود حیات طیبه.

\* در آیه شریفه این‌طور دارد که: هر زن و مرد مؤمنی که کار نیک انجام داده و شرع را پیاده سازد، در حالی که ایمان داشته باشد، ما او را به یک زندگی پاک زنده می‌سازیم. در جایی دیگر دارد که وقتی انسان سر عقل بیاید و راه را از چاه تشخیص دهد، او را هدایت می‌کنیم.

\* امام حسین دنبال این بود که مغرورین را تا آنجایی که می‌شود نجات دهد. مطلب مهم بحث این است که حضرت نه خود مغرور بود و نه کسی را مغرور کرد، بلکه بر عکس به دنبال این بود که فریب‌خوردگان را نجات دهد.

\* غرور چیست؟ اگر اصطلاحات علمای اخلاق مراجعه کنیم، آنها در مورد غرور می‌گویند: غرور حالت آرامشی است که به خاطر همسو

شدن با خواسته‌های نفسانی به روح انسان دست می‌دهد. اگر یک امری موافق با شهوت‌م باشد، من لذت می‌برم و راحت می‌شوم؛ اگر وقتی عصبانی هستم موافق با غضبم باشد، دلم خنک می‌شود؛ این سکون و آرامش را #171؛ غرور» می‌گویند.

\*حالا چرا انسان از این موافقت با هوای نفس لذت برده و آرام می‌گیرد؟ جهت چیست؟ جهت این است که آدمی خیر و نفعش را در این می‌بیند که هر کاری همسو با شهوت و غضبش باشد. عمده اینجا است. غافل از اینکه اگر این شهوت و غضب در این عالم ماده، افسار گسیخته عمل کند، هیچ گاه سیر نمی‌شود و هر روز هم طلبش بیشتر می‌شود. چون خواسته و هواهای نفسانی که تمام شدنی نیست.

\* اگر انسان روش رفتاری‌اش را مطابق شریعت کند، تقوای الهی برایش پیدا می‌شود. تقوی که پیدا شد، رستگار می‌شوی. امام حسین می‌گوید اگر تقوا داشته باشید چون سر عقل می‌آیید و از خلاف‌کاری دست برمی‌دارید، دیگر نمی‌آیید با پسر پیغمبر بجنگید.

\*حسین(ع) خیلی غوغا کرده و هیچ چیزی را جا نگذاشته است. او هم سرانجام کار خود را می‌دانست و هم سرانجام کار آن‌ها را. حضرت در روز عاشورا قضیه مختار را گفت. وقتی که حضرت در آخر کار آنها را نفرین کرد که خدایا باران آسمان را بر اینها قطع کن! و به تعداد سال‌های یوسف چنین کن، و آن جوان ثقفی را بر آنها مسلط کن! حضرت همه چیز را گفت و کار را تمام کرد. شروع کرد، دانه‌دانه گفت که او می‌آید و سران شما را هم می‌کشد. حضرت هم سرانجام خود را گفت، هم عاقبت کار آنها را گفت؛ به صراحت هم گفت. ریشه مفساد آنها را هم گفت.

\* لذا حسین(ع) بالاترین را درس را به ابناء بشر داد. او گفت: ای انسان! فریب مادیت را نخور. که اینها عقلت را می‌رباید و دیگر نمی‌توانی حق را از باطل تشخیص دهی. شما را از انسانیت دور می‌کند.

\*امام حسین این درس را به ابناء بشر دارد. هر انسانی اینگونه است که اگر مجذوب مظاهر دنیا شود، خیال می‌کند که این چیزها تمام نمی‌شود. ولی بدان که شهوت‌ها افول می‌کند و غضب‌ها تمام می‌شود و از بین می‌رود.